

عربی هفتم الدرس الاول (بخش اول) صفحه ۱۰

قيمة العلم (ارزش علم) صفحه ۱۱

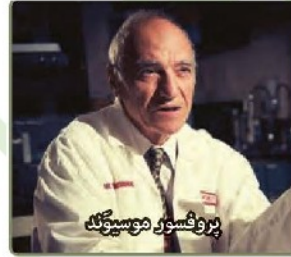
- ۱- عالم بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.
- ۲- خوب پرسیدن نیمی از دانش است.
- ۳- هم نشینی با دانشمندان عبادت است.
- ۴- طلب علم واجب دینی است.
- ۵- آفت علم فراموشی است.

(این-این-آن-آن)



این زن دکتر است.

این خانم دکتر موفق است



این مرد دکتر است.

این دکتر موفق است.



آن زن شاعر است.

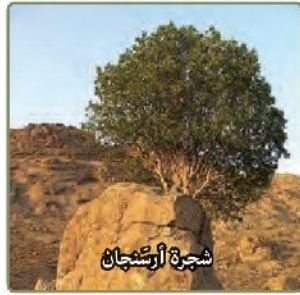
آن شاعر پروین است.



آن مرد شاعر است.

آن شاعر سعدی است





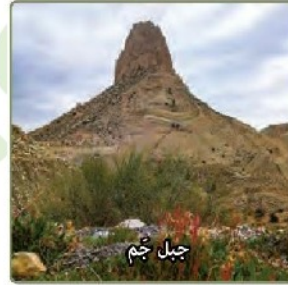
این درخت عجیب است.



این کلاس بزرگ است.



آن تابلو زیباست.



آن کوه بلند است.

التمرین الاول صفحه ۱۴ و ۱۵

- ۱- آن دانش آموز موفق در کلاس اول است. ذَلِك
- ۲- این دانش آموز موفق در کلاس اول است. هَذِهِ
- ۳- این پسر در این مدرسه است. هَذَا - هَذِهِ
- ۴- این دختر در آن مدرسه است. هَذِهِ - تِلْكَ
- ۵- میوه این درخت بزرگ خوشمزه است. هَذِهِ



التمرین الثانی صفحه ۱۵



آن درخت بلند است. (شجره)



این دختر موفق است. (بنت)



این کلاس زیباست. (صف)



آن کوه بزرگ است. (جبل)

درس اول بخش دوم صفحه ۱۶

نور الکلام صفحه ۱۷ و ۱۸

- ۱- دونعمت ناشناخته اند.
- ۲- رضایت خداوند در رضایت پدر و مادر است.
- ۳- ادب انسان بهتر از طلای اوست.
- ۴- روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان تو.



(این دو- این دو)



این ها دو گل هستند.
این دو گل زیبا هستند.



این دو صندلی هستند.
این دو صندلی چوبی هستند



این ها دو دختر هستند
این دو دختر تمیز هستند.
آن ها سعیده و حمیده هستند.



این ها دو پسر هستند.
این دو پسر تمیز هستند.
آن ها سعید و حمید هستند.

التمرین الاول صفحه ۱۹



این دو دختر با حجاب هستند. (بنتان)
آنها فریده و حمیده هستند.



این دختر با حجاب است. (بنت)
او سعیده است.



این پسر مودب است. (وگد)
او سعید است.



این دو پسر مودب هستند. (وگدان)
آنها فرید و حمید هستند.





التمرین الثانی صفحه ۲۰

- ۱- این دو زن خوشحال هستند. (المرأتان)
- ۲- آن جزیره ناشناخته است. (تِلک)
- ۳- این دو کوه بلند هستند. (الجَبَلان)
- ۴- این پنجره چوبی است. (هذه)
- ۵- آن دانش آموز پاکیزه است. (الطالِب)
- ۶- این مدرسه بزرگ است. (المدرسة)

التمرین الثالث صفحه ۲۰

- ۱- قیمت انسان به علم و ایمان اوست.
- ۲- برای این کلاس دو پنجره زیباست.
- ۳- فرزند صالح افتخاری برای پدر و مادر است.
- ۴- سخن پدر و مادر از طلاست.
- ۵- این دو درخت بدون میوه است.
- ۶- این دو کلاس بزرگ است.

الدرس الاول (بخش سوم) صفحه ۲۱

کنز الکنوز صفحه ۲۲

- ۱- یک ساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است.
- ۲- دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.
- ۳- علم در خردسالی مانند کنده کاری در سنگ است.
- ۴- بهترین کارها میانه ترین آنهاست.
- ۵- نادانی مرگ زندگان است.



(این ها - آن ها)



آن ها رزمندگان (زن) هستند.
آن رزمندگان (زن) صبورند.
آن ها موفق هستند.



آن ها رزمندگان هستند.
آن رزمندگان صبور هستند.
آن ها موفق هستند.



این ها ایرانی هستند.
این عکس بازیکنان (زن) ایرانی است.
این بازیکنان برنده هستند.



این ها ایرانی هستند.
این عکس بازیکنان (مرد) ایرانی است.
این ها بازیکنان برنده هستند.

التمارین

التمرین الأول صفحه ۲۴

۱- دانش آموزان در مسابقه ها پیروز شدند: مسابقه حفظ و مسابقه قرائت

جمع مکسر: الطلاب مثنی: مسابقتین

۲- این دانش آموزان در مسابقه حفظ قرآن موفق هستند.

جمع سالم: الطالبات جمع سالم: ناجحات

۳- در کتاب های قصه عبرت هایی برای بچه ها و بزرگان است.

جمع مکسر: کتب - القصص - عبر - للاطفال - الکیبار

۴- آن مرد ها بر روی صندلی نشسته اند.



جمع مکسر: الرجال جمع سالم: جالسون

التمرین الثانی صفحه ۲۴



(کنز) این گنج طلائی است.



(هذه مكتبة) این کتابخانه بزرگ است.



(ورده) این گل زیباست.



(لاعبه) این بازیکن موفق است.

التمرین الثالث صفحه ۲۵

- ۱- فائزتان: این دو دختر در مسابقه پیروز شدند.
- ۲- جالسه: آن زن روی صندلی نشسته است.
- ۳- واقفات: زهرا و زینب و فاطمه ایستاده اند.
- ۴- مسرورون: عباس میثم و هاشم خوشحال هستند.
- ۵- لاعبون: آن پسران بازیکنان ممتازی هستند.
- ۶- طالبات: مادرانش آموزان مدرسه هستیم
- ۷- فلاحون: شما کشاورزان موفقی هستید.



الدرس الثانی (بخش اول) صفحه ۳۰

جواهر الکلام صفحه ۳۱

- ۱- آیا پاداش نیکی جز نیکی است.
- ۲- مومن کم سخن و پرکار است.
- ۳- سکوت زبان سلامتی انسان است.
- ۴- چه بسا سخنی که جوابش سکوت است.
- ۵- وقت طلاست

آیا	بله-نه
-----	--------



آیا این درخت انار است
بله این درخت انار است.



آیا این کیف مدرسه است
نه این کیف سفر است



آیا اینجا شهر است
نه اینجا روستا است



آیا این سرباز است
بله او سرباز است



آیا هتل دور است
نه هتل نزدیک است



التمرین الاول صفحه ۳۲



آیا او فروشنده کیف ها است؟

(لا)



آیا اینجا باغ است؟

(نعم)



آیا اینجا شهر شیراز است؟

(لا)



آیا این درخت انگور است؟

(نعم)

التمرین الثاني صفحه ۳۳

۱- کتابخانه دور است و مدرسه نزدیک است.

۲- آیا آن درخت انگور و انار است؟ نه

۳- آیا در این شهر هتل است؟ بله

۴- ای فرزندان آیا شما حاضر هستید؟ بله ما حاضر هستیم.

التمرین الثالث صفحه ۳۴

۱- لسان ۲- طالب ۳- صحه ۴- کلام ۵- الصلاة ۶- عُرْفَه ۷- عمود ۸- يوم

۹- اولئك ۱۰- بعيد ۱۱- نسيان ۱۲- مجالسه ۱۳- عداوة ۱۴- قريب ۱۵- هنا

*رمز جدول : الصلاة عمود الدين

(نماز ستون دين است.)



الدرس الثانی (بخش دوم) صفحه ۳۵

کنوز الحکم (گنج های حکمت) صفحه ۳۶

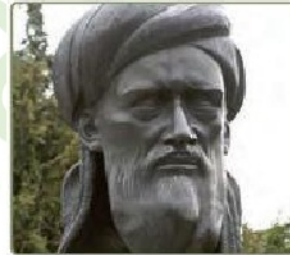
- ۱- پاکیزگی از ایمان است،
- ۲- ایمان و صاحبش در بهشت هستند
- ۳- تنهایی بهتر از همنشین بد است
- ۴- همانا خوش پیمانی از ایمان است
- ۵- عجله از شیطان است
- ۶- چه بسا کلامی همچون شمشیر است.

چه کسی برای چه کسی



او چه کسی است؟

او دانشمند (زن) ایرانی است.



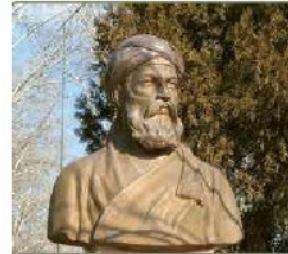
او چه کسی است؟

او محمد بن زکریای رازی است



این (زن) چه کسی است؟

او رزمنده است.



این دانشمند چه کسی است؟

او ابوریحان است





تو کیستی؟

من مدیر کتابخانه هستم.



تو کیستی؟

من مدیر کتابخانه هستم.



ماشین برای کیست؟

برای مدیر مدرسه است.



این کیف برای چه کسی است؟

برای مریم

بدانیم صفحه ۳۸

- چه کسی استاد زبان فارسی است؟ آقای اکبری
- چه کسی استاد زبان عربی است؟ خانم شفیعی

التمرین

التمرین الاول صفحه ۳۸

۱- این (زن) چه کسی است؟

(هی کاتبه) او نویسنده است.

۳- او کیست؟

(هی لاعبه محجبه) او بازیکن با حجابی است

۲- او کیست؟

(هو شاعر ایرانی) او شاعر ایرانی است.

۴- این آرامگاه برای چه کسی است؟

(لمولانا جلال الدین) برای مولانا جلال الدین





التمرین الثانی صفحه ۳۹

- ۱- چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است.
- ۲- آن تلفن همراه زیبا برای چه کسی است؟
- ۳- این دختر کوچک کیست؟
- ۴- چه کسی در اتاق است؟
- ۵- ای دختران شما چه کسی هستید؟
- برای آقای اخلاقی است.
- او خواهر سینا ست
- مهمان ها در اتاق هستند.
- ما دانش آموزان آن کلاس هستیم

التمرین الثالث صفحه ۴۰

- ۱- ای دختر تو چه کسی هستی؟ (أنا صديقَ زينب) من دوست زينب هستم
- ۲- این مداد برای چه کسی است؟ (لِتلكَ الطالبة) برای آن دانش آموز
- ۳- آن مرد چه کسی است؟ (هو السائقُ السَّيَّارةُ) او راننده اتومبیل است
- ۴- آن دختر چه کسی است؟ (هي اختُ ثريا.) او خواهر ثریا است
- ۵- تو دانش آموز عزیزی هستی ای پسر. (طالب عزیز)

التمرین الرابع صفحه ۴۰

- ۱- چه کسی مدیر مدرسه هست؟ (سيدة احمدي) خانم احمدي
- ۲- آیا تنهایی بهتر از همنشین بد است؟ (نعم)
- ۳- تو چه کسی هستی؟ (انا كاتبة) من دانش آموز هستم
- ۴- چه کسی خلق کرد آسمانها و زمین را؟ (الله) خداوند
- ۵- چه کسی معلم زبان عربی است؟ (سيدة اميري) خانم امیری



الدرس الثانی (بخش سوم) صفحه ۴۱

کنز النصیحه (گنج های حکمت) صفحه ۴۲

- ۱- برترین مردم سودمندترین آنها است.
- ۲- خوبی بسیار است و انجام دهنده آن کم است.
- ۳- انسان بنده نیکی است.
- ۴- بلاء انسان در زبانش است.
- ۵- سلامتی زندگی در مدارا کردن است.

ما؟ (چیست)



این چیست؟

این هدیه برای مادرم است



این چیست؟

این کلید خانه است



معنی این علامت چیست؟

چرخش به چپ ممنوع



معنی این علامت چیست؟

چرخش به راست ممنوع

بدانیم صفحه ۴۳

- چه چیزی روی میز است؟ (جوالُ امی) تلفن همراه مادرم

- زبان رسمی ایران چیست؟ (الفارسیه) فارسی



- چه چیزی اطراف خانه است؟ (عمودٌ کبیر). ستونی بزرگ

التمرین الاول صفحه ۴۴



آن چیست بر روی کوه؟ (اشجرة) درخت



آن چیست؟ (عمود) ستون



این چیست؟ (منضدة) میز



این چیست؟ (عنب) انگور

التمرین الثانی صفحه ۴۵

۱- این دو چه چیزی هستند؟ - این دو هدیه گران هستند.

۲- این چیست؟ - این جایزه طلایی برای برنده اول است.

۳- چه چیزی در آن ماشین بزرگ است؟ - چمدان های مسافران

التمرین الثالث صفحه ۴۵

کلمات: خوبی_ارزان_زیاد_نشسته_گروه_دور

پاسخ ها:

(نزدیک) قریب ≠ (بعید) دور (کم) قلیل ≠ (کثیر) زیاد (تنهایی) و حده ≠ (جماعة) گروه

(ایستاده) واقف ≠ (جالس) نشسته (بدی) سوء ≠ (حسن) خوبی (گران) غالیة ≠ (رخیصة) ارزان



التمرین الرابع صفحه ۴۵

المرأة البنت النساء البنات انتِ هذه تلك هاتان الأخت هي

الدرس الثاني (بخش چهارم) صفحه ۴۶

الحكم النافعه (حکمت های سودمند) صفحه ۴۷

- ۱- کارها به نیت هاست.
- ۲- بر تو لازم است که با مردم مدارا کنی.
- ۳- خوش اخلاقی نیمی از دین است.
- ۴- بهشت زیر پای مادران است.
- ۵- دست خدا با جماعت است.

کجاست؟



مرد کجاست؟

زیر اتومبیل



کشتی کجاست؟

در خلیج فارس



پسر کجاست؟

پشت در



مرد کجاست؟

بین دو اتومبیل



خانه کجاست؟

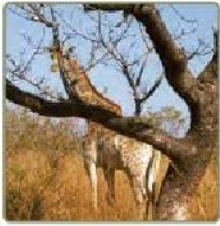
بالای درخت



مرد کجاست؟

مقابل در خانه





زرافه کجاست؟

پشت درخت



کودک کجاست؟

نزد مادرش



پیراهن و شلوار کجاست؟

در چمدان

بدانیم صفحه ۴۹

معنی کلمات بخش ۱

بالا-زیر-رو به رو-پشت-کنار-نزد-اطراف-وسط-داخل-بر روی-سمت راست-سمت چپ-اینجا-آن جا

بخش ۲



تواهل کجایی؟

من از مصرم (من مصری ام)



تواهل کجا هستی؟

من از مصرم (من مصری ام)

تواهل کجایی؟ انا من ایران. انا ایرانی

تواهل کجایی؟ انا من ایران. انا ایرانیه.

بخش ۳

بر تو لازم است شکر کنی.

بر شما واجب است مدارا کردن با مردم.

بر تو لازم از صبر کنی.

بر شما واجب است دوست داشتن دوستان.

بر شما واجب است قران خواندن

بر شما واجب است نیکی کردن.

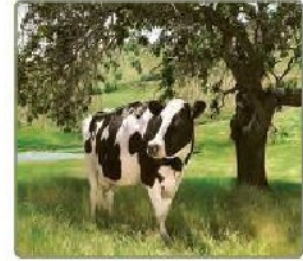


التمرین الاول صفحه ۵۰



دوخانه کجا هستند؟

(على الجبل) بر روی کوه



گاو کجاست؟

(جنب الشجرة) کنار درخت

التمرین الثانی صفحه ۵۰

- ۱- کتابخانه کجاست؟ سمت راست
- ۲- باغ کجاست؟ سمت چپ
- ۳- تو اهل کجا هستی؟ من اهل یمن هستم.
- ۴- کلید کجاست؟ آن جا روی در
- ۵- شهر بدره کجاست؟ نزدیک ایلام

التمرین الثالث صفحه ۵۱

- ۱- پسر کجاست؟ (امام البقرة) روبروی گاو
- ۲- اتومبیل کجاست؟ (على اليسار الشجرة) سمت چپ درخت
- ۳- مرد کجاست؟ (فى السيارة) در اتومبیل
- ۴- زن کجاست؟ (خلف المنضدة) پشت میز
- ۵- چه چیزی روی اتومبیل است؟ (الحقیبة) کیف



الدّرس الثانی (بخش پنجم) صفحه ۵۲

الموعظِ العدديّة (نصايح شمارشی) صفحه ۵۳

- ۱- نگاه کردن در سه چیز عبادت است: نگاه کردن به قرآن نگاه کردن به چهره پدر و مادر نگاه کردن به دریا
- ۲- چهار چیز اندکش زیاد است تنگدستی و درد و دشمنی و آتش
- ۳- پنج چیز در مردم نیکو است: علم عدل سخاوت صبر و حیا

گم (چند)



چند تلفن همراه اینجاست؟

سه



روزهای هفته چند روز است؟

هفت



چند غواص در این عکس است؟

چهار



چند بازیکن در عکس است؟

شش



چند شلوار اینجاست؟

هشت



چند عدد کلید است؟

پنج

التمرین الاول صفحه ۵۴

- ۱- چند هفته در ماه وجود دارد؟ (اربعه)
- ۲- چند کلاس در دوره ابتدایی وجود دارد؟ (سته)

التمرین الثانی صفحه ۵۴

- ۱- او کسی است که آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید
- ۲- همانا تعداد ماه ها نزد خداوند دوازده ماه است.





۳- تو چند روز در سفر بودی؟ تقریباً نه روز

القرآنیات صفحه ۵۵

- ۱- چه تعداد پیامبران در قرآن هستند؟
- بیست و شش پیامبر
- ۲- چند سوره به نام حیوانات در قرآن است؟
- پنج سوره
- ۳- چه تعداد سجده واجب در آیات قرآن است؟
- چهار سجده

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید

Hamkelasi.ir





الدرس الثالث صفحه ۶۰

حوار بین وکدین (گفت و گو بین دو پسر) صفحه ۶۱

سمیر:

از دیدنت خوشحال هستم صبح بخیر

حالت چطور است؟

من خوبم اهل کجا هستی؟

من اهل عراق هستم آیا تو اهل مشهدی؟

و من از بصره هستم.

اسم سمیر است اسم تو چیست؟

خانواده ات کجا هستند؟

هتل تان کجاست؟

چند روز شما در کربلا هستید؟

این پسر کیست؟

اسمش چیست؟

خداحافظ (در پناه خدا)

حمید:

صبح بخیر

من خوبم و تو چطوری؟

من اهل ایران هستم تو اهل کجا هستی؟

نه من از مازندران هستم.

اسمت چیست؟

اسم من حمید است.

آنها آنجا نشسته اند.

آن پدر و آن مادرم است

آن پدر بزرگ و آن مادربزرگم است

در انتهای این خیابان.

سه روز

او برادرم است

اسمش جعفر است

به امید دیدار به سلامت





التمارين

التمرین الاول صفحه ۶۲

- ۱- غلط ۲- صحیح ۳- صحیح ۴- غلط ۵- غلط

التمرین الثاني صفحه ۶۳

- ۱- أنا بخير
۲- انا من مدينة قدس
۳- اسمی علی
۴- فی شارع انقلاب

القرانيات صفحه ۶۳

- ۱- سرور آیات قرآن چیست ؟ آيته الكرسي
۲- کدام سوره به نام یکی از فلزات است؟ سوره حدید (آهن)
۳- کدام سوره به نام یک زن است ؟ سوره مریم

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید



الدرس الرابع صفحه ۷۰

فِي السُّوقِ (در بازار) صفحه ۷۱

گفتگوی شماره ۱

کجا رفتی ای مادر حمید؟

به بازار نجف رفتم .

آیا چیزی خریدی؟

بله لباس های زنانه خریدم.

آیا تنها رفتی؟

نه با دوستانم رفتم .

قیمت لباس ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟

مثل ایران بود .فرقی نداشت اما خریدم .

پس برای چه خریدی؟

برای هدیه خریدم .

چه چیزی خریدی؟

لباس وچادر .

لباس ها زیباست .خداحافظ

بسیار متشکرم -به سلامت

گفتگوی شماره ۲

ای پدر حمید کجا رفتی؟

رفتم به بازار نجف

آیا چیزی خریدی؟

بله لباس های مردانه خریدم .

آیا تنهایی رفتی؟

نه با دوستانم رفتم .

قیمت ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟

مثل ایران-فرقی نداشت ولی خریدم

پس چرا خریدی؟

برای هدیه خریدم .

چه چیزی خریدی؟

پیراهن وشلوار.

لباس ها زیباست . خداحافظ

بسیار متشکرم -به سلامت



فعل ماضی (۱) صفحه ۷۲



چه می خوانی؟
قرآن می خوانم.



چه می خوری؟
سیب می خورم.

بدانیم صفحه ۷۳



من پرچم ایران را بالا بردم



من برای دوستم نامه نوشتم



تو کتاب علمی خواندی



من کتاب مفیدی را گرفتم



التمارين

التمرین الاول صفحه ۷۴

- | | |
|------------------------------|---|
| ۱- ای مسافر آیا به هتل رفتی؟ | نه به بازار رفتم . (دَهَبْتُ - دَهَبْتُ) |
| ۲- پیراهنت را از کجا خریدی ؟ | از آنجا آن را خریدم . (أَخَذْتُ - أَخَذْتُ) |
| ۳- چه چیزی را شستی ؟ | صورتم و دستم را برای وضو شستم . (غَسَلْتُ - غَسَلْتُ) |
| ۴- چه چیزی خریدی ؟ | پیراهن زنانه و چادر خریدم . (اشْتَرَيْتُ - اشْتَرَيْتُ) |

التمرین الثاني صفحه ۷۴

- | | |
|-------------|--------------------------|
| ۱- أَكَلْتُ | چند تا سیب خوردی؟ دو سیب |
| ۲- أَخَذْتُ | آیا تو هدیه ات را گرفتی؟ |
| ۳- ذَكَرْتُ | تو دوستت را یاد کردی؟ |
| ۴- رَفَعْتُ | آیاتو پرچم را بالابردی؟ |
| ۵- غَسَلْتُ | من لباسم را شستم. |

الأربعينيات صفحه ۷۵

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| گفتگو در مسیر اربعین حسینی نزد پلیس | پلیس: گذرنامه ات کجاست؟ |
| زائر: این گذرنامه من است. | پلیس: آیا نزد شما ویزا هست؟ |
| زائر: بله نزد من است. | پلیس: چند روز ماندی اینجا در کاظمین؟ |
| زائر: یک روز | پلیس: چند نفر هستید؟ |
| زائر: ما ۱۲ زائر هستیم. | |

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید





الدرس الخامسُ صفحة ٧٨

الجملات الذهبية (جملات طلایی) صفحه ٧٩

ياسر با دوستانش در مدرسه بازی کرد.

ياسر بعد از ظهر به سوی خانه برگشت

اودر خانه را کوبید

مادرش صدای در را شنید: سپس رفت و باز کرد.

در را از او پرسید:

مادر: حالت چطور است؟

پسر: من خوبم

مادر: تکالیف تو چیست؟

ياسر: حفظ کردن این جمله های طلایی

هرگاه فرومایگان فرمانده شدند شایستگان هلاک شدند .

کسی که دشمنی کاشت زیان درو کرد .

تجربه از علم برتر است .

بهترین مردم سود مند ترین آن های برای مردم هستند .

زبان مقصر ، کوتاه است .

مسلمان کسی است که مردم از زبان او و دست او سالم بمانند.

Hamkelasi.ir

فعل ماضی (۲) صفحه ۸۰



این بازیکن (زن) پرچم ایران را بالا برد



این پسر کتابی از کتابخانه گرفت .

التمرین الأول صفحه ۸۱

دشمنی ≠ دوستی	نادان ≠ دانا	فرومایگان ≠ دانشمندان	برتر = خوبی
آغاز ≠ پایان	ارزان ≠ گران	دشمنی = دشمنی	پشت = پشت

التمرین الثاني صفحه ۸۱

- ۱- عَلم (پرچم - خواهر - برادر - مادر)
- ۲- ماء (دست - آب - صورت - زبان)
- ۳- جَوال (پیراهن - لباس زنانه - تلفن همراه - شلوار)
- ۴- قَصیر (کوتاه - پنجره - در - اتاق)
- ۵- تَحَتَّ (خارج شد - داخل شد - نبود شد - دیر)
- ۶- تَمَّ (پس - من - او - او)

التمرین الثالث صفحه ۸۱



او دنبال کتاب ها گشت.



سپاس برای خداوندی است که آفرید آسمان ها

وزمین را





من از معلم سوال کردم.



من به روستا نزدیک شدم.



او به خانه اش رسید.

اربعینات صفحه ۸۳

گفتگو در مسیر اربعین حسینی در راه کربلا
 زائر عراقی: از دیدن شما خوشحالم
 زائر ایرانی: بسیار ممنونم-خدا کمکتان کند.
 کدام راه نزدیکتر است به کربلا
 زائر عراقی: آن راه نزدیک تر است.
 زائر ایرانی: آیا نزدیک اینجا موکبی وجود دارد؟
 زائر عراقی: بله وجود دارد موکبی انجاست.

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید



درس ششم عربی هفتم صفحه ۸۷

فِي الْحُدُودِ لِلْحُضُورِ فِي مَسِيرَةِ الرَّبْعَيْنِ الْحُسَيْنِيِّ (در مرز برای حضور یافتن در مراسم اربعین حسینی)

مادر بزرگ	محسن
الو، سلام بر تو ای عزیزم	سلام بر تو. کیستی؟
چگونه مادر بزرگت را شناختی؟	ببخشید صدایت را شناختم. حالت چطور است؟
من خوبم حال شما چطور است؟	همه‌ی ما خوبیم
شما الان کجا هستید؟	به شهر مهران در مرز رسیدند
پدر و مادرت کجا هستند؟	آنها روی صندلی نشسته‌اند.
آیا آن دو خوب هستند؟	بله، خداراشکر.
هوا آنجا چطور است؟	هوا کمی سرد است.
ای عزیزم تو چه چیزی پوشیدی؟ پدر و مادرت چه چیزی پوشیدند؟	لباس‌های مناسب را پوشیدیم.
خدا شما را نگه دارد. به سلامت	بسیار متشکرم.

فعل ماضی (۳) صفحه ۸۸



ما در کتابخانه نشسته‌ایم.



ما تکالیفمان را نوشتیم.



التمرین الأول: صفحه ۸۹

- ۱- در این قرآن برای مردم از هرگونه مثلی آوردیم.
- ۲- ای ابراهیم آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟
- ۳- برای ما مثلی زد و آفرینشش را فراموش کرد.
- ۴- کودک گفت: من غمگین نشدم.
- ۵- ما از مرزها عبور نکردیم.

التمرین الثاني: صفحه ۸۹

أَلْفُسْتَانٌ: مِنْ مَلَابِسِ النَّسَاءِ
 الدُّنْيَا: مَزْرَعَةُ الْخَيْرِ
 النَّسِيَانُ: آفَةُ الْعِلْمِ
 الْعِلْمُ: كَنْزٌ
 الصَّلَاةُ: عَمُودُ الدِّينِ
 السُّؤَالُ: مِفْتَاحُ الْعِلْمِ

التمرین الثالث: صفحه ۹۰



او بر زمین افتاد.



تو او را یاری کردی.
تو شریف هستی.



من کمی غمگین شدم.



او چیزی را فراموش کرد.



تو چادری زیبا پوشیدی.





ما چوب را بریدیم



ما بسیار خوشحالیم.



ما از کوه عبور کردیم.



ما ایستادیم برای

گرفتن جایزه‌ها

الْقُرْآنِيَّات: صفحه ۹۲

۱- از اولین پیامبران ک در مرکز حکومت کار می کرده است؟

- سرورمان یوسف(ع)

۲- کدام سوره به نام میوه است؟

-سوره تین (انجیر)

۳- لقب کدام پیامبر ذبیح الله است؟

-پیامبر خدا اسماعیل (ع)

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید



درس هفتم عربی هفتم صفحه ۹۵

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ (خانواده موفق)

آقای زارعی کشاورز است و همسرش کشاورز است. آن دو با فرزندانشان در روستا زندگی می کنند.
 عارف از برادرها و سمیه از خواهرها بزرگتر است. آنها خانواده ای موفق هستند.
 خانه شان پاکیزه و باغشان پر از درختان پرتغال و انار و انگور و سیب است.

حوار صفحه ۹۵

گفتگوی بین پدر و پسران

پدر: ای عارف کجا رفتی؟

پدر: ای صادق و حامد چگونه بازگشتید؟

پدر: ای پسرها چرا رفتید؟

عارف: به خانه پدر بزرگ به همراه صادق و حامد

دو برادر: با اتومبیل

برادرها: برای کمک به پدر بزرگمان

گفتگوی بین مادر و خواهران صفحه ۹۶

مادر: ای سمیه کجا رفتی؟

مادر: ای شیما و نرگس چگونه برگشتید؟

مادر: ای دخترها چرا رفتید؟

سیمه: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با شیما و نرگس

دو خواهر: با اتومبیل

خواهرها: برای کمک به مادر بزرگمان

فعل ماضی صفحه ۹۷



شما مسابقه را شروع کردید



شما جواب سوال را دانستید



شما کتابهای کتابخانه را جمع کردید

شما سخنانم را با دقت شنیدید

التمرین الأول صفحه ۹۹

با توجه به متن درس جمله های صحیح و غلط را معلوم کنید.

- ۱- تعداد دختران و پسران پنج تا است. ✖
- ۲- آقای زارعی معلم شیمی است. ✖
- ۳- درخت های انار در باغ آقای زارعی است. ✔
- ۴- گفتگوی اول بین دختران و مادر بود. ✖
- ۵- هدف پسران و دختران کمک به پدر بزرگ و مادر بزرگ بود. ✔





التمرین الثانی: صفحه ۹۹

- ۱- فعل ماضی: قَرَأْتُمَا ای دو دختر چگونه درستان را خواندید؟
- ۲- فعل ماضی: سَمَحْتِ ای استاد آیا به من اجازه صحبت دادی؟ (آیا به من اجازه می‌دهی صحبت کنم؟)
- ۳- فعل ماضی: سَمِعْتُنْ ای زنان آیا صدای فرزندانان را شنیدید؟
- ۴- فعل ماضی: فَتَحْتُمُ ای دانش‌آموزان چرا درب کلاس‌ها را باز کردید؟ - برای اینک هوا گرم بود.

التمرین الثالث: صفحه ۱۰۰

- هُوَ مَا قَرَأَ: او نخواند
أَنْتُمْ مَا وَصَلْتُمْ: شما نرسیدید
أَنْتُنَّ سَمَحْتُنَّ: شما اجازه دادید
أَنْتُنَّ بَدَأْتُنَّ: شما شروع کردید
أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ: شما نبردید

التمرین الرابع: صفحه ۱۰۰

- ۱- (معلم به من اجازه داد برای خروج از کلاس) سَمَحْتِ
- ۲- (من و دوستم در مسابقه پیروز شدیم) نَجَحْنَا
- ۳- (ای خواهران آیا احساس افتخار نمی‌کنید؟) شَعَرْتُمْ
- ۴- (او از موفقیت دوستش خوشحال شد) فَرِحَ
- ۵- (ای دوستان چه چیزی انجام دادید؟) صَنَعْتُ
- ۶- (مادر حمید گفت : منتظر هستم.) مُنْتَظِرَةٌ

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید



درس هشتم عربی هفتم صفحه ۱۰۳

زینة الباطن (زینت درون)

در دریای بزرگ ماهی زشتی بود. اسمش سنگ ماهی بود. ماهی ها از او می ترسیدند. او به سوی ماهی ها رفت ماهی ها ترسیدند و فرار کردند.

او همیشه تنها بود. در روزی از روزها پنج ماهیگیر آمدند. پس تور بزرگی در دریا انداختند.

ماهی ها در تور افتادند. کسی برای کمک نیامد. سنگ ماهی صدای ماهی ها را شنید

پس به طور نگاه کرد پس ناراحت شد و برای نجات ماهی ها رفت. تور ماهیگیرها را به سرعت پاره کرد. ماهی ها خارج شدند و همگی فرار کردند.

پس سنگ ماهی در تور افتاد و ماهیگیرها او را گرفتند. ماهی ها ناراحت بودند برای اینکه سنگ ماهی برای نجات آنها در تور افتاد.

ماهی ها به کشتی ماهیگیر نگاه کردند آنها ماهی را گرفتند اما آنها او را در آب انداختند برای اینکه آن واقعا زشت بود پس از آن ترسیدند. ماهی ها برای نجات آن خوشحال شدند و با لبخند به آن نگاه کردند و فهمیدند که زیبایی باطن بهتر از زیبایی ظاهر است.

امام علی (ع) فرمود: زیبایی باطن بهتر از زیبایی ظاهری است.

فعل ماضی (۵) صفحه ۱۰۴



آن دو نوشتند.



آن دو ایستادند.



آنها نگاه کردند.



آنها بازی کردند.



التمرین الأول: صفحه ۱۰۶

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

- ۱- آن سنگ ماهی تنها بود. ✓
- ۲- سنگ ماهی برای نجات ماهی ها رفت. ✓
- ۳- سنگ ماهی کوچک و زیبا بود. ✗
- ۴- ماهیگران از سنگ ماهی نترسیدند. ✗

التمرین الثاني: صفحه ۱۰۶

با توجه به متن درس به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- ۱- چند صیاد در کشتی بود؟ خمسه (پنج)
- ۲- چه کسی تور را در آب انداخت؟ الْأَصْيَادُونَ (ماهیگران)
- ۳- سنگ ماهی کجا افتاد؟ فِي الشَّبَكَةِ (در تور)
- ۴- آیا زیبایی ظاهری بهتر از زیبایی باطنی است؟ لا (نه)

التمرین الثالث: صفحه ۱۰۷

ترجمه کنید.

- | | |
|---|--|
| هُنَّ عَرَفْنَ: آنها شناختند | هُمَّ مَا نَظَرُوا: آنها نگاه نکردند. |
| الْوَالِدَانِ هَرَبَا: پسرها فرار کردند | الرِّجَالُ مَا نَصَوْا: مردان یاری نکردند. |
| الطَّالِبَاتُ مَا عَلِمْنَ: دانشمندان ندانستند. | أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ: شما نبریدید. |
| هُنَّ سَلِمْنَ: آنها سالم ماندند. | أَنْتُنَّ عَبَّرْتُنَّ: شما عبور کردید. |
| أَنْتُمْ قَدَفْتُمْ: شما انداختید. | هُمَا مَا ضَرَبْتَا: آنها نزدند. |
| الطِّفْلَةُ وَقَعَتْ: کودک افتاد. | الْبَنَاتَانِ ذَكَرْتَا: دخترها یاد کردند. |





التمرین الرابع: صفحة ۱۰۷

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱- این ماهیگران تور را در دریا انداختند. قَدَّفُوا

۲- آن دختران برای کمک مادر بزرگشان رفتند. ذَهَبْنَ

۳- این پسران برای گرفتن هدیه ایستادند. وَقَفَا

۴- این دو زن پرچم ایران را بالا بردند. رَفَعَتَا

۵- زهرا به سوی کلاسش رفته بود. ذَاهَبَةُ

برای دانلود گام به گام های دروس دیگر میتوانید به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید

Hamkelasi.ir





درس نهم عربی هفتم صفحه ۱۱۱

الْخُلَاصُ فِي الْعَمَلِ (اخلاص در کار)

نجاری و صاحب کارخانه ای دوست بودند. در روزی از روزها نجار به صاحب کارخانه گفت: من به بازنشستگی نیاز دارم. صاحب کارخانه جواب داد اما تو در کارت ماهری و ما به تو احتیاج داریم ای دوست من. نجار قبول نکرد.

هنگامی که صاحب کارخانه اصرارش را دید، بازنشستگی اش را قبول کرد و از او خواست خانه‌ای چوبی را قبل از بازنشستگی اش به عنوان آخرین کارش در کارخانه بسازد.

نجار برای خریدن وسایل برای ساختن خانه چوبی جدید به بازار رفت وسایل ارزان و غیر مناسب خرید و شروع به کار کرد ولی در کار کوشا نبود. چوب های خانه مرغوب نبودند بعد از دو ماه نزد صاحب کارخانه رفت و به او گفت: این آخرین کار من . صاحب کارخانه آمد و کلید طلایی به او داد و به او گفت: این کلید خانه توست این خانه هدیه به تو است زیرا تو سال های بسیاری نزد من کار کردی. نجار از کارش پشیمان شد و با خودش گفت: ای کاش این خانه را خوب می ساختم.

رسول خدا فرمود: « رحمت خدا بر کسی که کاری را انجام میدهد کاری درست و محکم »

التمرین الأول: صفحه ۱۱۲

- با توجه به متن درس به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)
- ۱- بعد از چند ماه نجار نزد صاحب کارخانه رفت؟ بَعْدَ شَهْرَيْنِ (بعد از دو ماه)
 - ۲- آیا صاحب کارخانه به نجار محتاج بود؟ نعم (بله)
 - ۳- چه کسی کلید طلایی را به نجار داد؟ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ (صاحب کارخانه)
 - ۴- نجار برای خریدن وسایل به کجا رفت؟ لِاسْتَوْقِ (به بازار)
 - ۵- نجار برای ساختن خانه چه خرید؟ وَ سَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ (وسایل ارزان و نامناسب)
 - ۶- کلید طلایی برای چه کسی بود؟ لِنَجَّارٍ (برای نجار)



التمرین الثالث: صفحه ۱۱۳

- ۱- صَيَادِينَ (چوب‌ها _ ماهیگیران _ وسیله‌ها _ بازنشستگی)
- ۲- حَزِينَات (وقت‌ها _ صداها _ ناراحت _ بیت‌ها)
- ۳- أَوْلَاد (لباس زنانه _ باغ‌ها _ کیف _ فرزندان)
- ۴- بَيْت (خانه _ ماهی _ دوست _ کشتی)
- ۵- هَدِيَّة (کارخانه _ کوشا _ کلید _ هدیه)
- ۶- فَلَاحَان (زیان _ باغ _ کشاورزان _ فراموشی)
- ۷- أُخْتَيْنِ (دو خواهر _ زبان _ پندها _ راست)

التمرین الرابع: صفحه ۱۱۳

- ۱- آیا شما آن دختران را شناختید؟ عَرَفْتُنَّ
- ۲- من خوشحال شدم از موفقیت دوستانم. فَرِحْتُ
- ۳- آنها به تخته زیبا نگاه کردند. نَظَرْنَ
- ۴- او نرفت به سوی خانه مادر بزرگش. ذَهَبَتْ
- ۵- آیا شما صندلی‌های چوبی ساختید؟ صَنَعْتُمَا
- ۶- تو تور را انداختی برای صید ماهی‌ها. قَدَفْتَ
- ۷- هوا سرد است. پس ما لباس‌های مناسب را پوشیدیم. فَلَبِسْنَا





درس دهم عربی هفتم صفحه ۱۱۷ و ۱۱۸

الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ (روزها و فصلها و رنگ ها)

معلم: روزهای هفته چیست؟

دانش آموز: روز شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه

معلم: و فصل های سال چیست؟

دانش آموز: بهار، تابستان، پاییز و زمستان

معلم: هوا در هر فصلی چگونه است؟

دانش آموز: هوا در بهار معتدل است. و آن فصل زیبایی و زندگی جدید است. و تابستان گرم است و فصل میوه‌های لذیذ است.

و پاییز نه گرم است و نه سرد و فصل ریختن برگهای درختان است و زمستان سرد است.

معلم: رنگ ها چیست؟

دانش آموز: سیاه و سفید و قرمز و آبی و سبز و زرد.

معلم: مثال برای این رنگ‌ها چیست؟

دانش آموز: کلاغ سیاه و ابر سفید و انار قرمز و درخت سبز و موز زرد است.

معلم: رنگ‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران چیست؟

دانش آموز: سبز و سفید و قرمز

التمرین الاول: صفحه ۱۱۹

۱- دیروز سه‌شنبه بود پس امروز چهارشنبه است. الْأَرْبَعَاءِ

۲- امروز روز شنبه است و فردا روز یکشنبه است. الْأَحَدِ

۳- اول فصل ها فصل بهار است. الرَّبِيعِ

۴- زمستان فصل سردی است. بَارِدًا



التمرین الثانی: صفحه ۱۱۹

۱- رنگ ابر، سفید است.

۲- رنگ برگ ها، سبز است.

۳- رنگ کلاغ، سیاه است.

۴- رنگ انار، قرمز است.

۵- رنگ آسمان، آبی است.

۶- رنگ موز، زرد است.

التمرین الثالث: صفحه ۱۲۰

۱- هُم

۲- هُوَ

۳- هُنَّ

۴- أَنْتُمْ

۵- أَنْتُنَّ

۶- أَنْتُمْ

۷- هِيَ

۸- أَنْتِ

۹- أَنْتُمْ

۱۰- أَنْتِ

التمرین الرابع: صفحه ۱۲۱

۱- صَنَعْتَ (تو کیف را درست کردی)

۲- نَدِمْتُ (تو از کارت پشیمان هستی)

۳- سَلِمْتَ (او از خطر سالم ماند)

۴- سَمَحُوا (آنها به من اجازه دادند که صحبت کنم)

۵- كَتَبْتُمَا (آیا شما تکالیفتان را نوشتید؟)

۶- قَبِلْنَا (ما دیروز هدیه اش را قبول کردیم)

۷- حَصَدْتَ (آیا تو محصول را جمع نکردی؟)

۸- بَحَثْنَا (آنها جست و جو کردند از رنگ زرد)

۹- رَجَعْتَن (شما از باغ برنگشتید)

۱۰- صَعِدْتُمْ (شما بالا نرفتید از کوه سبز)

۱۱- رَفَعَا (این پسران، آنها بالا بردند پرچم قرمز را)

۱۲- دَهَبْنَا (این دختران، آنها رفتند نزد معلمشان)

